

سه‌شنبه ۱۲ آذر ۱۳۹۸ | ۶ ربیع‌الثانی ۱۴۴۱

گزارش مهدی پورصفا

زمان ثبت‌نام در انتخابات مجلس شورای اسلامی سریع‌تر از آنچه تصور می‌شد، فرا رسید. در شرایطی که جامعه‌ده شوک افزایش قیمت بنزین به سر می‌برد و هنوز تبعات آن در فضای سیاسی و اجتماعی کشور باقی است، کاندیداهای یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی باید برای ثبت‌نام در فرمانداری‌ها حضور یابند تا امید داشته باشند پس از گذر از هیئت‌های اجرایی و نظارت به پای رقابت‌های واقعی بر سر صندوق‌های رأی برسند، با این حال تفاوتی جدی بین انتخابات امسال و انتخابات‌های سال گذشته وجود دارد؛ سؤالاتی که در ذهن جامعه پیرامون نحوه تأثیرگذاری مجلس در روابط و فرآیندهای داخلی کشور ایجاد شده بود، با آن تبدیل به یک دغدغه واقعی شده است. به‌رغم اینکه مجلس شورای اسلامی در سال ۹۶ سهمیه‌بندی بنزین را رها کرده بود اما دولت توانست به مدد شرایط اضطراری تحریم‌ها و تشکیل شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا که دبیر آن معاون اول رئیس‌جمهور بود اراده خود را عملیاتی کند. این مسئله البته صرف نظر از بی‌تدبیری کامل در نحوه مدیریت سهمیه‌بندی بنزین است. طبیعی است که با چنین مختصاتی این سؤال جدی برای همه ایجاد خواهد شد که جایگاه مجلس کجاست و آیا انتخاب نمایندگان می‌تواند تأثیری در این بحث داشته باشد یا نه؟

■ **هیبت مجلس باید محفوظ باشد**

علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی روز یک‌شنبه و هم‌زمان با روز مجلس در پاسخ به این شبهه در خصوص تلاش جایگاه مجلس این‌در رأس امور بودن نیز یک کار قوای دیگر را هم انجام دهیم. در رأس امور بودن یعنی در مرتبای پایین‌تر از رهبری است. مجلس دهم ظرفیت خیلی خوبی دارد و تنوع افکار در آن بیشتر است و این کمک می‌کند که آرای مردم گفته شود. وی درباره دیگر نهادهای موجود در کشور گفت: اینکه نهادهای دیگری هستند، بعضی از این نهادهای زمان‌ام هم بود و مثلاً شورای عالی انقلاب فرهنگی بود. من تا آنجا که اطلاع دارم از وقتی آقای روحانی رئیس‌جمهور شد دقت می‌کند که قانونگذاری شود و ما هم نمی‌گذاریم قانونگذاری انجام بشود. وی تأکید کرد: مثلاً در حوزه فضای مجازی سیاستگذاری انجام می‌شود. یک مشکلی در زمینه مجمع و هیئت نظارت وجود دارد. در زمان آقای هاشمی برای سیاست کلی سازوکاری برای هیئت نظارت در نظر گرفته شد و بیشتر جنبه مشورتی داشت. در آن زمان هیئت‌نظارت برای نظر قطعی باید نظر مجمع را می‌گرفت، یعنی مجمع باید تصمیم می‌گرفت.

این پاسخ رئیس مجلس درباره تفکیک سیاستگذاری و قانونگذاری اگرچه می‌تواند برخی از شبهه‌ها را حل کند، اما در نهایت نمی‌تواند پاسخی صریح به این سؤال باشد که چرا جایگاه مجلس در خصوص مسائل و مشکلات مهم کشور به خصوص مسائلی که به صورت مستقیم به مردم مربوط است، اینچنین کمرنگ شده است. البته در این میان تأکید رهبری بر جایگاه مجلس شورای اسلامی نیز امری اثبات شده است، به عنوان مثال ایشان در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی در سال ۹۵ می‌فرمایند: یک جاهایی، در یک تنگناهایی گیر می‌کردیم و الان دولت‌ها گیر می‌کنند که از اختیارات ولی‌فقیه استفاده نمی‌کنند، این هست، اما در همان‌ها هم بنده مکرراً در نظر داشتم مراقبت بکنم تا آنجایی که ممکن است به مصوبه مجلس خدشه وارد نشود. یکی از دولت‌های گذشته آمده بودند یک چیزی می‌خواستند که درست نقطه مقابل قانون بودجه آن سال بود، آن‌وقت قانوناً برنامه نبود، قانون بودجه بود. هر چه اصرار کردند، من زیر بار نرفتم، با اینکه مشکلاتی داشتند اما گفتم ما یک مجلسی داریم که نشسته‌اند تصمیم گرفته‌اند و قانون بودجه را با این همه زحمت تصویب کرده‌اند، حالا شما بیا با یک کلمه حرف، همه قانون را برگردان

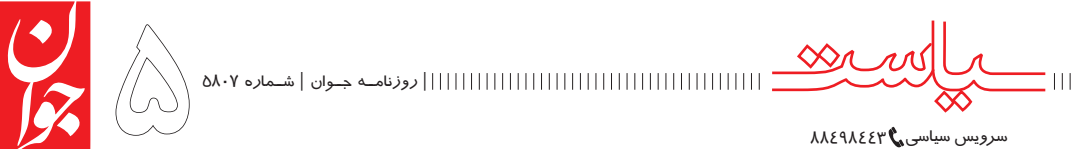
این طرف به آن طرف، اینکه نمی‌شود. مجلس را باید در رأس امور قرار داد. احترام مجلس، وقار مجلس، هیبت مجلس باید محفوظ باشد. ■ **دامنه محدود نظارت مجلس مشکل اصلی**

یکی از مهم‌ترین دلایلی که درباره کاهش جایگاه مجلس ذکر می‌شود، محدودیت مجلس در پاسخگو کردن مقامات کشور است. بر اساس قانون مجلس شورای اسلامی تنها در خصوص وزرا و شخص رئیس‌جمهور چنین قابلیت دارد و تکلیف قانونی روی سایر مقامات از جمله معاونان رئیس‌جمهور یا رؤسای دستگاه‌هایی همانند رئیس‌بانک مرکزی نیست. این مسئله را می‌توان به تمام نهادهای عمومی نیز تسری داد.

در کنار این، تذکرات مجلس به دولت نیز چندان کارساز نبوده است. مروری بر تذکرات کتبی و شفاهی نمایندگان به اعضای هیئت وزیران و روندی که از آغاز تا فرجام طی نشود، بیانگر این است که استفاده از این ابزار نظارتی حتی فراوانی تذکرات، چه کتبی و چه شفاهی، نتوانسته در حد انتظار، تحقق بخش اهداف مقنن در استفاده از این ابزار نظارتی باشد و نمایندگان نیز بهره‌قابل توجهی در استفاده از این ابزار نظارتی برای حل مشکلات مورد نظر خویش نداشته‌اند، البته کمیسیون اصل



۹۰ قانون اساسی می‌تواند به صورت مستقیم وارد تحقیق و بررسی از هر نهادی شود اما در نهایت نتیجه بررسی‌ها باید به قوه قضائیه ابلاغ شود و رسیدگی نهایی از سوی این نهاد صورت پذیرد. در گذشته تلاش‌هایی برای پاسخگو کردن برخی مقامات از سوی مجلس صورت گرفته است، برای مثال در برنامه پنجم توسعه تلاش شد تا مجلس شورای اسلامی در انتصاب رئیس کل بانک مرکزی صاحب‌حق رأی شود. با تمام تلاشی که در این باره در مجلس صورت گرفت، در نهایت این وظیفه به رؤسای سران قوا محول شد و به محض اینکه پای این مصوبه به مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید، باز هم این اختیار به رئیس‌جمهور سپرده شد. از سوی دیگر پاسخگو کردن معاونان و دستیاران رئیس‌جمهور نیاز به برخی تغییرات در قانون اساسی دارد که باز هم انتظار هر گونه تحولی در این باره را از دسترس دور می‌کند. زمانی که وضع اینچنین است، تنها راهی که در مقابل نمایندگان باقی می‌ماند، رفتن سراغ مسئول اصلی تمام این انتصابات، یعنی شخص رئیس‌جمهور است که اتفاقاً اختیارات وسیعی در قانون اساسی به مجلس داده شده که می‌تواند به کمک نمایندگان بیاید، با این حال استفاده از این



سؤالی که دغدغه بسیاری از رأی‌دهندگان خواهد بود

ضعف نظارت، مجلس را از رأس امور انداخته است

ظرفیت در سال‌های گذشته به دلیل هزینه‌های بالای آن هیچ‌گاه به سرانجام نرسد. یکی از مهم‌ترین تلاش‌های ناکام نمایندگان برای اینکه بتوانند شخص رئیس‌جمهور را برای پاسخگویی به صحن علنی مجلس شورای اسلامی بکشانند، بحث مؤسستات غیرمجاز مالی بود که فشار فراوانی را از سوی مردم متوجه نمایندگان کرده بود. با وجود اینکه رأی نمایندگان به حد نصاب رسیده بود، اما هیئت رئیسه مجلس از اعلام وصول آن طفره رفت و مسئولیت آن را به کمیسیون اقتصادی مجلس سپرد. در نهایت انچنان رفت و آمد بین بخش‌های مختلف مجلس بالا گرفت که کار به یک جنجال همه‌جانبه در مجلس ختم شد. در جریان بررسی استیضاح آخوندی تعدادی از نمایندگان در اعتراض به اعلام وصول نشدن سؤال از رئیس‌جمهور برای قایقی در جایگاه هیئت رئیسه تحصن کردند.

به نظر می‌رسد صرف نظر از نتایج انتخابات مجلس در این باره باید یک تجدید نظر اساسی صورت بگیرد تا نظارت مجلس حداقل بر دولت کامل شود.

■ **مجلس ناظم می‌خواهد نه رئیس**

یکی دیگر از عواملی که سبب شده به نقش جمعی مجلس دخشده وارد شود، نوع مدیریت هیئت رئیسه درباره چالش مختلف در درون پارلمان است. اساساً سمت ریاست در مجامع قانونگذاری دنیا به نوعی ناظم جلسات است. در این نوع از اداره مجلس رئیس‌نهاد قانونگذاری مسئولیت انتظام بخشیدن به نحوه جلسات مجلس شورای اسلامی و همچنین نظارت بر نحوه ادامه فرآیند اجرایی آن است. در سیستم قانونگذاری مجلس شورای اسلامی اساساً به دلیل برخی رویه‌های تاریخی رئیس مجلس نقشی فراتر از اداره جلسات یافته است. ناگهی به‌گونه‌های مشابه نشان می‌دهد عضویت رئیس دستگاه قانونگذاری در چنین نهادهایی عمومیت ندارد، بلکه چنین نهادهایی موظف هستند تصمیمات خود را قبل از اجرا از تصویب مجلس بگذرانند یا آن را به صورت بگذرانند. در مجلس شورای اسلامی به دلیل همین امتیازات نقش رئیس مجلس بسیار پررنگ شده و عملاً رئیس مجلس با استفاده از نفوذ و همچنین دامنه اختیارات خود جهت‌گیری آن‌ها در تعیین می‌کند. شاید زمان آن رسیده که مجلس با استفاده از تغییر آیین‌نامه داخلی خود زمینه کاهش اختیارات رئیس مجلس را فراهم کند، البته برخی از این اختیارات مربوط به قوانین بالادستی همچون قانون اساسی بوده و امکان تغییر آن وجود ندارد، رقابت‌های سیاسی، مسائل جناحی و منفعت اندیشی قرار دهیم و استفاده کنیم.

وزیر کشور با بیان اینکه کسانی که به دلیل عدم‌اطلاع از ابعاد ماجرا قضاوت‌های نادرستی کردند لازم است تأمل بیشتری داشته باشند، تصریح کرد: این نوع قضاوت‌ها برای نیروهایی که برای امنیت مردم دفاع از امنیت این‌ها در مقابل کسانی که قصد ایجاد مشکلاتی را برای مردم داشتند، شرایط سختی را ایجاد کرد و نباید به گونه‌ای صحبت کنیم که زحمات آنها نادیده گرفته شود. وی در پایان اظهار داشت: برخی جریان‌ات در این موضوع فکر کردند که اکنون بستر سیاسی خوبی برای رقابت وجود دارد و مسائلی را مطرح کردند که خود مردم قضاوت خواهند کرد اما ما باید توجه کنیم که این موضوع مربوط به امنیت، اقتدار و منافع ملی است و نباید این موضوع را در چار چوب رقابت‌های سیاسی، مسائل جناحی و منفعت اندیشی قرار دهیم و استفاده کنیم.

۴-مذاکره تحت فشار، تهدید و ارباب هیچ گونه مشروعیتی ندارد و نباید یک طرف طلبکارانه و طرف مقابل، به‌دکار قلمداد شود.
۵-بایبندی طرفین به اجرای تعهدات ضامن حفظ هر گونه توافق می‌باشد، لذا اجزای یکجانبه تعهدات یعنی نقض توافق.
۶-مذاکره باید کم‌هزینه و پرفایده باشد.
۷-شروع، گستره و پایان مذاکره باید معلوم باشد و نباید نداشتن محدودیت زمانی اصل باشد.
۸-ماهیت و موضوع مذاکره باید صرفاً مسئله‌ای باشد که روی آن توافق شده است، لذا وارد کردن موضوعات دیگر یعنی پررنگ کردن حاشیه‌ها از متن.
۹-مذاکره بر مبنای تعامل است و نه تقابل، بنابراین نباید به مبنای معرفتی مذاکره برای حصول توافق خدشه وارد کرد.
اکنون با ذکر مبانی معرفتی و تفاوت جوهری نگاه مذاکره‌کنندگان بهتر می‌توان به خوش‌بین نبودن پیر روشن ضمیر انقلابمان به مذاکرات برجامی پی برد زیرا ایشان مکرراً فرموده بودند که مشکل غرب با ایران اسلامی موضوعاتی نیست که با مذاکره حل شود بلکه آنها با اصل وجودی انقلاب اسلامی مشکل دارند و به چیزی کمتر از اصل هدم انقلاب قانع نیستند و چه ژرف‌نگرانه فرمود خمینی کبیر که «نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم این است که دشمنان ما تا کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند؟» به یقین آنان مرزی جز عدول از همه‌هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی‌مان نمی‌شناسند و تا هفته‌ها قرآن کریم هرگز دست از مقابله و ستیز با شما برنمی‌دارند مگر شما را از دین تان برگردانند» (صحیفه‌نوح ج۲۰ ص۲۳۳).

دنیای مجازی

■ **مالیات در ایران و ترکیه**

سیاوش فلاح‌پور در رشته توثیتی از سیستم مالی ترکیه و مقایسه آن با ایران گفته است: یکی از نقاط عطف مدیریت اردوغان در شهرداری و البته تاریخ معاصر استانبول، اخذ گسترده مالیات از طبقه مرفه در دهه ۹۰میلادی برای اصلاح زیرساخت‌های عقب مانده این شهر بود. اردوغان با پیروزی در انتخابات شهرداری، شهری آلوده، عقب مانده و غرق در بدهی را تحویل گرفت، این ساختار امکان هر گونه تغییر اساسی را از مدیران سلب کرده بود. برای مثال تمام مدیران پیش از اردوغان می‌دانستند راه‌حل معضل آلودگی هوای استانبول، تغییر سیستم گرمایشی شهر از ذغال سنگ به گاز است اما شهری که بودجه‌اش اندک بود و بدهی انباشته‌اش سر به فلک می‌کشید طبیعتاً قدرتی برای واردات گاز نداشت ولی با آغاز کار اردوغان، اراده و مسیر دیگری پیش روی این شهر تاریخی قرار گرفته بود. او ابتدا شرکت IGDAS را برای رازیتهای اولیه با روس‌ها تاسیس کرده و سپس برای مذاکره با طبقه مرفه آماده شد. او به شکلی هنرمندانه با تلفیقی از روش‌های اقناعی تا فشار و… ثروتمندان را راضی کرد مالیات یک ساله احداث خط لوله‌های گاز و تغییر سیستم گرمایشی شهر را به طور یکجا پیش از آغاز پروژه تقدیم شهرداری کنند و به این ترتیب بودجه لازم برای عقد اولین قرارداد با روس‌ها را تأمین کرد. با پیشروی مطلوب پروژه، فرآیند اخذ مالیات از طبقات پایین‌تر به شکل تدریجی و متناسب با درآمد آنان کلید خورد. الگوی او در سایر پروژه‌دها(حل معضل شبکه آبرسانی به منازل، سدسازی، مکانیزه کردن سیستم دفع زباله، نوسازی شبکه مواصلاتی و…) نیز کم و بیش مشابه بود و اینگونه طرف کمتر از ۱۰(سال استانبولی را که در سایه آفول هویت عثمانی به حاشیه رفته بود به تگین‌خور میانه تبدیل کرد. در پایان برآیم جالب است که عملکرد مدیریت جمهوری اسلامی در حوزه اخذ مالیات تا چه اندازه به این الگو نزدیک است؟ اصولاً آیا نظام قادر است مالیات طبقه ثروتمند را به طور کامل دریافت کرده و مانع از دور زدن قانون توسط آنها شود یا این اراده صرفاً به اقشار محروم و متوسط محدود مانده است؟

■ **اتاق فکر چند سینماگر علیه ایران**

علی قلیچکی در تویتر نوشته: تعدادی از سلب‌ریتی‌ها متحداالشکل متنی را در پیچ اینستاگرام‌شان منتشر کردند و هزینه‌های مادی و معنوی اتفاقات پس از گرانی بنزین را متوجه حاکمیت دانسته‌اند. مگر همین سلب‌ریتی‌ها و اهالی سینما نبودند که در دی‌پهشت ۹۶ صفحه خود را تمام قد در اختیار ستاد تبلیغاتی روحانی قرار دادند؟! حالا مدعی چه هستند؟! شرافت‌شان کجا رفت؟! نکته جالب در این بین، متن یکدستی است که در بازه حدوداً دو ساعته در تمامی پیج‌های اینستاگرامی سلب‌ریتی‌های حامی روحانی، کار شده است؛ سلب‌ریتی‌هایی که از تنظیم دقیق و ویرایش شده یک تئویت عاجز بوده و تفاوت و مورد استعمال واژه «مدنی» و «معنوی» را نمی‌دانند، چگونه متنی «ادبی»، «ثر گذار» و «علیه حاکمیت» (در صفحات‌شان بارگذاری کرده‌اند؟! پای اتاق فکر منظمی در میان است که بوزر و پیسورد اینستاگرام سلب‌ریتی‌ها را در اختیار دارد و سربزنگاه‌ها، این جماعت سرخوش را هماهنگ علیه نظام، می‌شوَراند!

■ **آقای موسوی این دولت معدل کاینه احتمالی شما بود**

امیرحسین ثابتی در تئویتی کنایه‌وار تلویحا؛ یکسان بودن کاینه دولت احتمالی موسوی با کاینه فعلی دولت روحانی نوشته است: حق با من‌حسین موسوی است. اگر می‌گذاشتند او کشور را اداره کند، حتماً امروز وضع‌مان گل و بلبل بود. موسوی با کاینه‌ای قوی و تخصصی با حضور علی ربیعی، بیژن زنگنه، عباس آخوندی، باقر نویت، معصومه ابتکار، محمدهدی نجفی و… می‌توانست کشور را متفاوت با امروز اداره کند!

■ **آقای نویت از جیب خود می‌بخشد؟!**

علی سیستانی در مورد معافیت مالیاتی سلب‌ریتی‌ها نوشته: سلب‌ریتی‌ها در درآمد میلیاردی باید معاف از مالیات بشن، اونوقت من معلم باید سرر ماه مالیات بدم. آقای نویت بذل و بخشش می‌فرمایند؟! از کجا؟! چرا باید خواننده و بازیگرکی که میلیاردی درآمد داره معاف از مالیات باشه؟ به چه حقی؟!

گزاره‌خبر: ابطیحی:

دولت برنام‌های برای رونق تولید ندارد

عضو فراکسیون نمایندگان ولایی مجلس با اشاره به اینکه دولت برنامه‌ای برای رونق تولید و بهبود وضعیت اقتصادی ندارد، گفت: انتقاد از این روزهای اصلاح‌طلبان از دولت روحانی صادقانه نیست. محمدجواد ابطیحی در گفت‌وگو با مهر، با انتقاد از عملکرد دولت در زمینه اقتصاد، گفت: دولت‌مردان به ویژه رئیس‌جمهور معتقد به تفکر اقتصاد نئو- کینزی هستند و مدل اقتصادی آنها حاکمیت سرمایه‌داری است. وی با بیان اینکه دولت تمرکز اصلی خود را روی واردات گذاشته و تاکنون هیچ برنامه مدونی برای رونق تولید نداشته است، افزود: تفکر دولت‌مردان و نیم اقتصادی دولت این است که به جای آنکه در جهت رونق تولید حرکت کنیم، بهتر است که کالاهای مورد نیاز کشور را وارد کنیم.

عضو فراکسیون نمایندگان ولایی مجلس با تأکید بر اینکه دولت اراده لازم برای کنترل بازار و بهبود وضعیت اقتصادی را ندارد، تصریح کرد: تا زمانی که تفکر سرمایه‌داری بر دولت حاکم باشد، وضعیت بازار به همین مثال ادامه می‌یابد و مردم هم تحت فشار خواهند بود.

ابطیحی با اشاره به انتقاد تند برخی از اصلاح‌طلبان از دولت روحانی به ویژه پس از گرانی بنزین، گفت: اگر جریان اصلاحات در ادعای خود صادق هستند، باید از شش سال پیش عملکرد دولت را مورد ارزیابی قرار می‌دادند و در جاهایی که عملکرد دولت ضعیف بود، از آنان انتقاد می‌کردند. وی با بیان اینکه مردم به خوبی می‌دانند که انتقاد این روزهای اصلاح‌طلبان از دولت روحانی از روی اخلاص و همچنین صادقانه نیست، اظهار داشت: انتقاد اصلاح‌طلبان از دولت صرفاً به دلیل نزدیکی شدن به انتخابات مجلس است و آنان می‌خواهند با اعلام برائت از دولت، به اهداف انتخاباتی خود برسند.

خرازی: اتحادیه اروپا استدلالی برای راه‌اندازی مکانیسم ماشه ندارد

ایران بر اساس برجام عمل کرده و اتحادیه اروپا استدلالی برای راه‌اندازی مکانیسم ماشه ندارد.
کمال خرازی رئیس شورای راهبردی روابط خارجی ایران در گفت‌وگو با باشگاه خبرنگاران جوان، با اشاره به اظهارات ژان ایو لودریان وزیر امور خارجه فرانسه در خصوص برجام و همچنین امکان بهره‌گیری از مکانیسم حل و فصل اختلافات این سند (مکانیسم ماشه)، گفت: پس از خروج امریکا از برجام اروپایی‌ها هیچ یک از وظایف خود عمل نکردند و حال هم در حال توجیه نقض عهدهای خود هستند. او ادامه داد: نکته مهم این است که ما همواره بر اساس برجام عمل کرده‌ایم، بنابراین فرانسه به طور کلی اتحادیه اروپا استدلالی درباره انجام مکانیسم ماشه ندارند، پس قطعاً ما باید در برابر فشارهای آنها مقاومت کنیم.

خرازی درباره احتمال اجرای گام پنجم ایران و خروج از NPT گفت: هنوز چنین تصمیمی گرفته نشده و درباره جزئیات گام پنجم کاهش تعهدات برجامی ایران تصمیمات لازم گرفته خواهد شد.

وزیر کشور با بیان اینکه در حوادث اخیر کشور برخی به این موضوع، ملی و مربوط به امنیت کشور بود و نباید آن را در چارچوب رقابت‌های سیاسی و منفعت‌اندیشی مورد توجه قرار دهند.

به گزارش فارس، عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور ظهر دیروز در حاشیه نشست خود با استانداران سراسر کشور و در جمع خبرنگاران، اظهار داشت: باتوجه به آغاز ثبت نام نامزدهای انتخابات مجلس شورای اسلامی در این جلسه یک بار دیگر تمام انتخابات را مرور کردیم تا بتوانیم گزارشاتی را از استانداران در این خصوص داشته باشیم و متناسب با شرایط، بستر همکاری و تعامل با دستگاه‌هایی که با موضوع انتخابات مرتبط هستند

یادداشت | ابوالحسن سلطانزاده

دییلماسی یکی از پایه‌های قدرت نرم و یک اصل پایدار برای حل و فصل مناقشات بین‌المللی و منطقه‌ای محسوب می‌گردد. در واقع دیپلماسی به معنای دانش و فن هدایت روابط خارجی و حل و فصل منازعات با استفاده از عوامل سیاسی، فرهنگی، روانی، حقوقی و تبلیغاتی می‌باشد و در این میان مهم‌ترین رکن دیپلماسی فرآیند مذاکره است. در بررسی منظومه فکری مقام معظم رهبری یکی از کلیدهای مهمی در پرواز و پرمعنا مفهوم مذاکره می‌باشد و این معنا و اهمیت آن زمانی آشکارتر می‌شود که بدانیم دشمنان انقلاب اسلامی و در رأس آنها امریکا در طول ۴۰سال گذشته برای رخنه و نفوذ در ساحت انقلاب اسلامی هیچ گاه از موضوع مذاکره غفلت نکرده‌اند و به همین دلیل نیز رهبر معظم انقلاب مذاکره با امریکا را روزهایی برای نفوذ دانسته و بر هوشیاری و پرهیز مسئولان در برخورد با این مقوله تأکید داشته‌اند.

ایشان در همین رابطه در تاریخ ۱۲ آبان فرمودند: «مذاکره با امریکا هیچ مشکلی را حل نخواهد کرد، با مذاکره نه تحریم‌ها کم می‌شود و نه فشارها. منع مذاکره با امریکا یکی از ابزارهای مهم بستر نه ورود آنان به ایران عزیز است، جمهوری اسلامی ایران با منع مسئول مذاکره راه نفوذ و ورود مجدد امریکا به کشور را سد کرده است. آنها نشستن مقامات ایرانی پشت میز مذاکره را به معنای زانو زدن جمهوری اسلامی می‌دانند و از اصرار بر مذاکره این هدف را دارند که به جهانبان بگویند فشار حداکثری و تحریم‌ها سرانجام نتیجه داد و ایرانی‌ها به زانو درآیند.» اکنون سؤال اساسی در تبیین این فرمایشات این است که چرا مذاکره مشکلات را حل نمی‌کند و این منع مسئول مذاکره چه